

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

شادروان استاد احمد علی کهزاد
فرستنده: "بنیاد فرهنگی کهزاد"

هرات از روزنه نگاه بابر

"هرات از روزنه نگاه بابر" جمله ایست که از خلال کلمات آن یکی از مردان بزرگ و باریک بین و دقیق تاریخ را در یکی از شهرهای بزرگ و مجلل و با شکوه آن عصر یعنی در "هرات" مشاهده میکنیم. تاریخ نشان میدهد که بابر در سال ۹۱۰ هجری قمری کابل را از دست "مقیم ارغون" گرفت و در سال ۹۱۲ در اثر دعوت سلطان حسین میرزا پادشاه سلاله تیموری به هرات رفت.

سال های بین ۹۱۰ و ۹۱۲ در تاریخ افغانستان از نظر حوادث سیاسی، اجتماعی، عمرانی و فرهنگی اهمیت خاصی دارد و در تاریخ خصوصی دو شهر افغانستان، کابل و هرات بیشتر قابل ملاحظه است، زیرا در طی این دو سال یکطرف دوره عروج و شکوه دودمان تیموری با ظهور بابر و شیبانی خان و بالاخره وفات پادشاه پیر و سالخورده هرات سلطان حسین میرزا به پایان میرسد و از جانب دیگر با استقرار مرد حادثه جو و آواره ولی تیزبین و با اراده ای چون ظهیر الدین محمد بابر در کابل دوره جدیدی در تاریخ افغانستان آغاز میشود و مرکز ثقل اداری که بیشتر در هرات متمرکز شده بود، به کابل انتقال میکند.

رفتن ظهیر الدین محمد بابر به هرات در سال ۹۱۲ هجری قمری با سال سی و ششمین سلطنت سلطان حسین میرزا متصادف است و این رفتن هم در اثر دعوتی صورت میگیرد که از طرف شاه هرات بعمل آمد و آنهم داستانی دارد بدین نحو که چون پادشاه تیموری هرات در سال های پیری رسید یک سلسله پیش آمد های مترقبه و غیرمترقبه دو نفر از حادثه جویان یکی شیبانی خان ازبک و دیگر ظهیر الدین محمد بابر را که هر دو بین خود نقاضت و دشمنی داشتند، وارد حصص شمالی کشور ساخت تا اینکه یکی کابل را گرفت و دیگری رخ بطرف هرات آورد. سلطان حسین برای استمداد از بابر، وی را دعوت به رفتن هرات کرد ولی هنوز مهمان دربار هرات تازه به علاقه کهمرد رسیده بود که خبر وفات سلطان حسین میرزا اشتهار یافت. بابر که عزم مراجعت بکابل داشت چون دید به هرات نزدیک شده به مسافرت خود ادامه داد و در میان جار و جنجال و مخالفت های پسران پادشاه متوفی یعنی بدیع الزمان میرزا و مظفر میرزا که هردو خود را پادشاه میخواندند، وارد هرات گردید.

اینجا به پیش آمدهای سیاسی کاری نداریم. محض همینقدر متذکر میشویم که بابر از مشاهده اوضاع نفاق انگیز اولاد سلطان حسین میرزا متأثر شده و در مدت ۲۰ روزی که در آنجا ماند به رهنمائی های یوسف علی کولکانش از آثار عمرانی و مقامات متبرکه و آثار شگفت انگیز بزرگترین شهرهای خراسان و پایتخت باشکوه تیموریان دیدن نمود. چشم دید بابر در سال ۹۱۲ هجری در هرات که شرح مفصل آن را خود در تزک خود نقل کرده است، اهمیت بسیاری دارد زیرا نوشته های آن در موقعی که دوره عظمت تیموریان به پایان رسیده ولی آثار باشکوه عمرانی و هنری آن دوره هنوز پابرجا باقی است، بی نهایت قیمتدار است.

بابر از شخص شخیص سلطان حسین میرزا و از مساعی او و سایر شاهان تیموری و نوابغ رجال آن عهد و آن سامان بخصوص از کفایت و درایت وزیر علم پرور آن دوره، امیر علی شیر نوائی، بسیار تقدیر میکند و دوره تیموریان و مخصوصاً عصر و زمان سلطان حسین میرزا را "زمانی عجیب" میخواند. بابر در ۲۰ روز اقامت خود در هرات هر روز قسمتی از مقامات متبرکه و آثار عمرانی را مشاهده میکرد و تا جائی که از نوشته های خود او معلوم میشود نقاط مختلفی مثل: باغ نو، باغچه علی شیر، باغ سفید، طربخانه، باغ جهان آرا، گازرگاه، تخت آستانه، باغ نظرگاه، خیابان گازرگاه، تخت سفر، تخت حاجی بیگ، آرامگاه مولانا عبدالرحمن جامی، آرامگاه شیخ بهاء الدین، مزار شیخ زین الدین، غازگاه مختار، حوض ماهیان، آرامگاه امام فخر الدین رازی، باغ خیابان، مدرسه گوهرشاد، مقبره گوهرشاد، مسجد جامع، باغ زاغان، باغ زبیده، آق سرای، پل مالان، خواجه طاق، مقوی خانه، دوازده برج، حوض کلان، عمارات شمال جهان آرا، چار سوق، مدرسه شیخ الاسلام، مسجد جامع ملکان، بازار ملک، دروازه های قلعه هرات، مدرسه بدیع الزمان، کنار جوی انجیل، مقبره قدسه، مسجد قدسه، مدرسه خاتقاه خلاصه و اخلاقیه، حمام و دارالشفاء، صفائیه و شفائیه و بسیار جاهای دیگر را دیدن نمود.

قراریکه بابر خود به ملاحظه میرساند در عصر تیموریان "هر کس بهر کاری که مشغول بود همت و غرض او آن بود تا آن کار را به کمال برساند." در واقع روح تمام کارهای نفیس و شگفت انگیز عمرانی و عامل اصلی تمام موفقیت های بینظیر اهل علم و هنر دوره تیموری را در همین جمله بابر میتوان یافت زیرا تا کسی به کمال کار و پیشه خود علاقه نداشته باشد، بعبارت دیگر تا عاشق پیشه خود نباشد، کار مربوطه خود را به پایه اكمال رسانیده نمیتواند. بابر بعد از ملاحظه کاخ ها و کوشک ها و مسجد ها و حوض ها و مظاهر هنرنمایی بدیع هنرمندان آن دوره به این صراحت رسید که اهل هنر این زمان و هر کسی بهر کاری که مشغول بود غایبه او به کمال رسانیدن آن کار بود.

کاخ ها و باغ ها، مساجد و مدرسه ها و زیارتگاه هایی که بابر در هرات دیده و اسم برده از نظر فن معماری و شگفتی های هنر معرف روح رونیسانس صنایع مستظرفه عصر تیموریان هرات بود و قراری که دانشمندان غربی علی العموم مینویسند، شهزادگان و شاهان و رجال بزرگ دوره تیموریان به مراتب از شاهزادگان و امنای معاصر خودشان در فرانسه و ایتالیا در حمایت و تشویق اهل هنر صرف مساعی میکردند.

مسافرت بابر به هرات و اقامت ۲۰ روزه او در این شهر بزرگ تاریخی و یادداشت های سودمندی که مبنی بر نظرات و دیدنی های خود در آنجا نوشته به حیث چشم دید و شهادت پادشاه بزرگ و مدقق بر اعمال و کارروائی های یک سلاله سلطنتی دیگر اهمیت بسیار دارد. از دریچه نگاه او هرات بزرگ به مراتب بزرگتر و مجللتر و باشکوه تر معلوم میشود و در میان آن همه آثار با عظمت، جنگ و نفاق و خود خواهی های پسران سلطان حسین میرزا بر سر تخت و تاج پدر و دسته بندی های آنها شاهدی بارز بر سقوط یک دوره بزرگ است.